

موانع ساختاری و اجتماعی جمعیت در توسعه انسانی ایران

دکتر علی اصغر نظری - گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور

برای نیل به هدف در هر توسعه ای، عواملی از قبیل سرمایه، منابع مختلف، ابزار و وسایل و برنامه از يك طرف و جمعیت متناسب (کافی، مجرب، دانشمند ماهر با گروههای سنی هماهنگ) از طرف دیگر مورد نیاز است .

در این میان توسعه نیروی انسانی نقش اولیه و زیربنایی دارد و در بین زمینه های مختلف توسعه که مجموعاً " پیشرفت کلی کشور را سبب می شوند، اهمیت بیشتری داشته و بنابر این اولویت و توجه بیشتری را می طلبد .

با آنکه هر يك از عوامل مذکور در این رابطه دارای دو نقش انتزاعی

و کلی می‌باشند، لیکن جمعیت متناسب در هر توسعه ای نقش کلیدی داشته و بدون بهره گیری از آن نیل به توسعه عملی نخواهد شد.

بررسی و تجزیه و تحلیل های آماری از گروه های سنی موجود در یک جمعیت متناسب مؤید این نکته است که در چنین جمعیتی مفایرت های چشمگیری از نظر درصد گروه های سنی مشاهده نمی شود.

جدول ۱ ساختار گروه های سنی جمعیت متناسب

۱- بچه سالان	۰ تا ۱۴ سال	۱۸ تا ۲۵	درصد
۲- جوانان	۱۵ تا ۳۵ سال	۳۰ تا ۳۵	درصد
۳- بزرگسالان	۳۵ تا ۵۹ سال	۲۵ تا ۲۸	درصد
۴- پیران	۶۰ سال و بالاتر	۱۵ تا ۱۸	درصد

۱- بچه سالان	۰ تا ۱۴ سال	۴۴/۳	درصد
۲- جوانان	۱۵ تا ۳۴ سال	۳۲	درصد
۳- بزرگسالان	۳۵ تا ۵۹ سال	۱۸	درصد
۴- پیران	۶۰ سال و بیشتر	۵/۷	درصد

جدول ۲- ساختار گروه های سنی جمعیت ایران

مأخذ: گروه بندی و محاسبه از سالنامه آماری ایران ۱۷۳۱.

بعضی از اساتید و مخصوصاً " جمعیت شناسان ساختار جمعیت کشورها را به سه گروه بچه سالان ۰ تا ۱۴ سال میانسالان ۱۵ تا ۶۴ سال و پیران ۶۵ سال و بیشتر تقسیم می‌کنند .

مطالعه مسائل اقتصادی و اجتماعی و از جمله علمی و فرهنگی ممالک مختلف نشان می‌دهد: کشورهای بی‌توسعه همه جانبه نائل آمده و آنرا لمس کرده اند که از نظر نسبت جمعیت دانشمند و ماهر در سطح بالا بی‌توسعه و مؤسسات آموزش عالی یا آکادمیک آنان مجهز و قادر است تا برای حفظ متخصصین یا ذخایر علمی موجود جامعه و رشد آن در هر مقطعی از آموزش عالی تا ۲٪ از جمعیت را پوشش دهد .

آگاهان به مسائل توسعه از میان عوامل مؤثر در آن که در بالا به آنها اشاره شد هیچ‌یک را به تنهایی موجد توسعه ندانسته و تا زمانی که انسان کاربرد آنها را در امور مختلف مورد توجه قرار ندهد مثمر ثمر نخواهند بود . مطالعه کتب جغرافیائی در ارتباط با توان محیط طبیعی غالب کشورهای توسعه یافته بیانگر این نکته است که همه آنها از حیث منابع اولیه و زیربنائی دارای ذخایر کافی نبوده و آنچه توسعه و پیشرفت آنها را امکان پذیر ساخته است نیروی انسانی ماهر و کار آرموده آنها می‌باشد .^۱ در این رابطه می‌توان کشور ژاپن را به عنوان نمونه و الگوی کشورهای توسعه یافته که توان محیطی آن جوابگوی نیازهای اولیه وزیر بنائی آن نیست را مورد مطالعه و توجه قرار داد . ژاپن از نظر منابع زیر زمینی و از جمله ذخایر سوخت های

1-Deblj , Muller. Geography Regions and Concepts, 1988 .

فسیلی بسیار فقیر است . این کشور تعداد قابل ملاحظه ای از اقلام مورد نیاز خود را از کشورهای مختلف جهان تأمین می‌کند^۱ .

در نقطه مقابل، کشورهای توسعه یافته ای که فاقد اغلب منابع و ذخایر زیر زمینی و یا دیگر توان های محیطی هستند، کشورهای در حال توسعه و پسا جهان سومی قرار دارند که علیرغم غذای محیط طبیعی (بعضی از آنها)، توان علمی و تخصصی جمعیت کلیه آنها ناچیز است و ایران در زمره چنین کشورهایی می‌باشد .

عدم دسترسی به توسعه نیروی انسانی و سایر زمینه های توسعه در ایران معلول عواملی است که به اهم آنها اشاره خواهد شد . آنچه در این رابطه به آن استناد می‌شود به دو جنبه ساختار فیزیکی و اجتماعی توده های جمعیت ایران ارتباط دارد که توجه به آنها و تهیه برنامه در جهت اصلاح و رفع نواقص موجود در این ساختارها، پدیده های ناهماهنگی و مانع در راه توسعه نیروی انسانی ایران را از میان برداشته و کشور را در مسیر ترقی و پیشرفت قرار خواهد داد . توجه به موانع و نواقص موجود در ساختارهای مورد اشاره و سرمایه گذاری و تلاش در راه ایجاد ساختارهای اصلاح شده و هماهنگی با آنچه در کشورهای توسعه یافته وجود دارد، از اهم مسائلی است که باید در سرلوحه اقدامات مجریان امور مملکت قرار گیرد .

قبل از بحث و بررسی در خاصه های ساختاری و اجتماعی جمعیت ایران به این نکته اشاره می‌شود که در سازمان های تحقیقاتی و از جمله سازمان های وابسته به ملل متحد، جهت هدایت و راهنمایی کشورهای جهان در نیل به

1-Debliz, Muller. Geography Regions and Concepts, 1988 .

توسعه به ارائه نقطه نظر هائی مبادرت ورزیده اند که لازم است به نمونه‌هائی از آنها اشاره شود:

- ۱- کمیسیون جمعیت سازمان ملل متحد در بولتن شماره ۳۴/۳۵ سال ۱۹۹۳. عوامل مؤثر در توسعه را بر اساس فهرست زیر چاپ و در اختیار کشورهای جهان قرار داده است. خاطرنشان می‌سازد که در هر يك از موارد مذكور در بولتن فوق الذکر توسط گروه‌های کاری متخصص که اعضای آنها دانشمندی از کشورهای مختلف تشکیل داده و هدف آنها سعی در تهیه فرمول و دستورالعملهائی برای راهنمائی و ارشاد کشورهای است که دچار مشکلات و موانع ساختاری جمعیت می‌باشند.
- هدف چنین تشکیلاتی این است که از این طریق کشورها را با مسائل و مشکلات ناشی از ترکیب ناهمگون جمعیت خود آشنا کرده تا برای رفع و ساختار معقول آن به چاره جوئی بپردازند.
- رهنمودهائی که کمیسیون مذکور جهت بحث و بررسی فراروی کشورهای مختلف قرار داده است شامل موارد زیر می‌باشند.
- الف- رشد و تغییرات ساختار سنی و جنسی جمعیت در دوره های زمانی مختلف، اختلافات منطقه ای این ساختارها و تأکید خاص بر اعمال متقابل تغییرات جمعیتی و پیشرفت های اقتصادی و اجتماعی.
- ب- سیاست های جمعیتی و برنامه های توسعه با تأکید بر جابجائی منابع در سطوح ملی و بین المللی.
- ج- وابستگی متقابل جمعیت، توسعه، محیط و موضوعات فیما بین.
- د- اختلاف در پراکندگی و تغییرات مکانی جمعیت و اثرات اقتصادی.

اجتماعی مهاجرت‌های داخلی و پی آمدهای توسعه شهری و روستائی و نتایج

حاصل از تمام اشکال مهاجرت‌های درونی و برون مرزی .

هـ - وابستگی بین ارتقاء مهارت ، نقش و وضعیت اقتصادی - اجتماعی زنان ،

رشد و بلوغ ، بهداشت مادر و فرزند ، تحصیل و اشتغال ، دستیابی به

امکانات و تأمین خدمات برای آنها .

و - برنامه های تنظیم خانواده ، بهداشت و رفاه خانواده^۱ . چنانچه ملاحظه

می‌شود ، کمیسیون مذکور ابعاد توسعه را در برگیرنده جهات مختلف

فعالیت های انسان در نظر گرفته است .

۲- مدیریت برنامه توسعه انسانی ملل متحد UNDP نیز در گزارش سالانه

۱۹۹۳ خود تحت عنوان شاخص های توسعه انسانی ، سه متغیر از جمله

(۱) امید به زندگی (۲) آموزش و (۳) درآمد متوسط سرانه جمعیت را معیار

اصلی جهت ارزیابی توسعه انسانی تعیین نموده و برای شرح و بسط جهات

مختلف آن چهارده مجموعه با عناوین زیر به عنوان عامل سنجش توسعه

انسانی در نظر گرفته است .

۱- توسعه انسانی

۲- محرومیت های انسانی

۳- مقایسه بین المللی

۴- امید به زندگی و درمان

۵- امنیت غذائی

۶- جمعیت شناسی

۷ - آموزش

۸ - ارتباطات

۹ - استخدام

۱۰ - منابع طبیعی

۱۱ - ثروت / فقر

۱۲ - داد و ستد جهانی و بدهکاری

۱۳ - در آمد و کمک های دریافتی

۱۴ - سیاست مصرف در آمد^۱

در مجموعه فوق الذکر ۱۳۰ شاخص نیز جهت تعیین مقام و رتبه توسعه هر کشور و مقایسه آن با کشورهای مختلف مطرح گردیده است که به ۱۶ مورد از اهم آنها در صفحه ۲ - ۲۵ اشاره می شود .

الف - موانع ساختاری جمعیت ایران

۱- رشد زیاد جمعیت

ایران کشوری است که بخاطر رشد بالای جمعیت خود (۲/۹) نارسائیهای متعددی را در زمینه های مختلف توسعه از قبیل آموزش ، بهداشت ، تغذیه ، مسکن و سایر امکانات مختلف رفاهی بوجود آورده است .

(اخیراً " رشد جمعیت ایران را (۱/۸) در صد اعلام داشتند که تا تعیین

صحت علمی آن با تحلیل های آماری نمی توان در این باره اظهار نظر نمود)

1-United Nations, Country Development Indicators, 1993 .

رشد سریع جمعیت ایران از سال ۱۳۳۵ که اولین آمارگیری سراسری به اجرا در آمد تاکنون سبب سه برابر شدن جمعیت و گسترش فوق العاده مراکز شهری قدیم (۱۲۶ مرکز) و ایجاد مراکز شهری جدید (۳۹۴ مرکز) شده که در این رابطه روستاهای زیادی جذب شهرها گشته و هر روز که می‌گذرد، زمین‌های زراعی اطراف شهرها و روستاها به زیر ساختمان می‌رود که در نتیجه از دامنه فعالیت های زراعی کشور کاسته شده و وابستگی ایران را به منابع غذایی خارجی که در سال ۱۳۷۰ نزدیک به ۳۲ درصد مصرف کشور بوده است، بیشتر می‌کند.^۱

رشد جمعیت ایران از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۷۰ بطور متوسط بالای ۰.۳٪ بوده و در طول این مدت تعداد جمعیت از ۱۸/۹۵۴/۷۰۴ نفر به بیش از سه برابر یا در حدود ۶۰ میلیون نفر رسیده است؛

۲- رشد جمعیت و ایجاد ناهماهنگی در گروه های سنی

رشد زیاد جمعیت ایران سبب گردیده است تا نزدیک به نیمی از آن (۴۴/۳ درصد) در گروه سنی ۱۴ - ۰ سال که بچه سالان می‌باشند قرار گیرد. نسبت بالای این گروه سنی در زمان حال دو برابر نسبت بچه سالان کشورهای پیشرفته است که در این صورت بیش از ۲۲ درصد از نیروی فعال کشور می‌کاهد. با چنین کاهشی نه تنها چندین میلیارد دلار از درآمد ناخالص کشور کاسته می‌شود بلکه هزینه هنگفتی را نیز جهت تأمین اماکن آموزشی، مصارف غذایی، وسایل مختلف مورد نیاز و بطور کلی هزینه نگه‌داری از این افراد

1-United Nations, Country Development Indicators, 1993.

لازم دارد .

اگر افزایش جمعیت ایران را از رقم کنونی آن که در سال حدود ۱/۶ میلیون نفر می باشد به $\frac{1}{4}$ برسانیم ، تنها در ارتباط با تأمین اماکن آموزشی هزینه احدات ۵/۳۳۳ واحد آموزشی هر يك با ظرفیت ۵ کلاس صرفه جویی می شود و آنگاه ۱۷ درصد از افراد واجب التعلیمی که در زمان حال امکان ورود به مراکز آموزشی را ندارند می توانند به این اماکن وارد شده و از مزایای آموزشی بهره مند گردند .^۱

از طرف دیگر رشد بالای جمعیت کشور ، برنامه ریزیهای بهداشتی و درمانی را با عدم موفقیت روبرو کرده ، چنانچه در فاصله سالهای ۹ - ۱۳۶۶ فقط ۷۳ درصد از جمعیت ایران به درمان دسترسی داشته اند . در همین مسدت نسبت کسانی که از آب سالم استفاده می کرده اند ۸۹ درصد و آنها که بسنه بهداشت دسترسی داشته اند ۷۱ درصد از جمعیت کشور بوده اند .

با در نظر گرفتن درصدهای فوق محرومیت های انسانی ایران در سال ۱۳۷۰ شامل عدم امکانان درمانی برای ۱۶/۲ میلیون نفر ، عدم دسترسی بسنه آب سالم برای ۶/۷ میلیون نفر و عدم استفاده از امکانان بهداشتی بسنه ۱۷/۴ میلیون نفر بالغ گردیده است . در همین سال (۱۳۷۰) ۵ درصد از کودکان کمتر از ۵ سال با مشکلات ناشی از سوء تغذیه روبرو بوده اند که این خود مشکلاتی را از نظر سالهای فعالیت و امید به زندگی پیش می آورد .

با آنکه در سالهای بعد از ۱۳۶۵ رشد جمعیت ایران به دلایل ناشی

1-UN. Country Development Indicators. 1993 .

از (۱) مشکلات اقتصادی در امر ازدواج که سبب بالا رفتن سن افراد از يك سو و (۲) بالا رفتن آگاهی عمومی که گسترش سواد و آموزش در آن نقش عمده‌ای دارد از دیگر سو کاهش یافته و از $3/4$ به $2/9$ درصد رسیده است. این رشد هنوز بسیار زیاد و در کمتر از ۲۶ سال جمعیت ایران را که اکنون ۶۰ میلیون نفر بیشتر است به دو برابر افزایش خواهد داد و آنرا هر چه بیشتر به طرف جوانی خواهد برد که علاوه بر پائین آوردن میانگین سنی کشور که اکنون در حدود ۱۷ سال است، سبب افزایش بیشتر گروه سنی بچه سالان و نرخ بیشتر وابستگی که در زمان حال ۸۹ درصد است خواهد شد.

۳- تاثیر رشد جمعیت بر سایر گروههای سنی

نرخ بالای زاد و ولد که سبب افزایش نسبت بچه سالان به میزان بیسش از ۴۴ درصد گردیده است، نوعی عدم توازن در ساختار سایر گروههای سنی جمعیت بوجود آورده که پی آمدهای اجتماعی و اقتصادی آن سودمند نخواهد بود.

بالا رفتن گروه بچه سالان به تدریج باعث ازدیاد درصد جوانان خواهد شد. چنانچه مراکز آموزش عالی توسعه نیابد و جاذبه های شغلی بوجود نیاید تا از اوقات و نیروی کار آنها استفاده مطلوب بشود، ناهنجاری های رفتاری از آنان سر خواهد زد و سر انجام باعث نابسامانی امور و اخلاص در نظم جامعه خواهد شد.

گروه سنی جوانان ایران از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ در حدود ۳ درصد رشد داشته و از ۲۹ درصد به ۳۲ درصد رسیده است.^۱

۱- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ۱۳۷۱.

وجود گروههای متعدد جوان در چهارراه های مراکز شهری که حتی پیش از طلوع آفتاب تا پاسی از روز گذشته منتظر فراخوانی از جانب صاحبان کار برای انجام امور کارگری هستند، دلیلی برفزونی این گروه سنی در سالهای اخیر و عدم برنامه ریزی جهت ایجاد جاذبه های شغلی مطلوب برای آنها می باشد.

این نکته نیز قابل ذکر است که نیمی از جوانان کشور زنان و دخترانی هستند که به خاطر پایبندی به عرف و ستن اجتماعی مانند مردان جویای کار بر سر چهارراهها اجتماع نکرده و نیروی فکری و بدنی آنان که میبایست در راه سازندگی و توسعه کشور مورد استفاده قرار گیرد در امور مختلف و غیرسازنده تولیدی هدر می رود.

هر اندازه به نسبت گروههای بچه سال و جوان اضافه شود سایر گروه های سنی که شامل بزرگسال و پیر می باشند کاهش یافته و توازن ساختار سنی جمعیت از قاعده کلی خود خارج می شود.

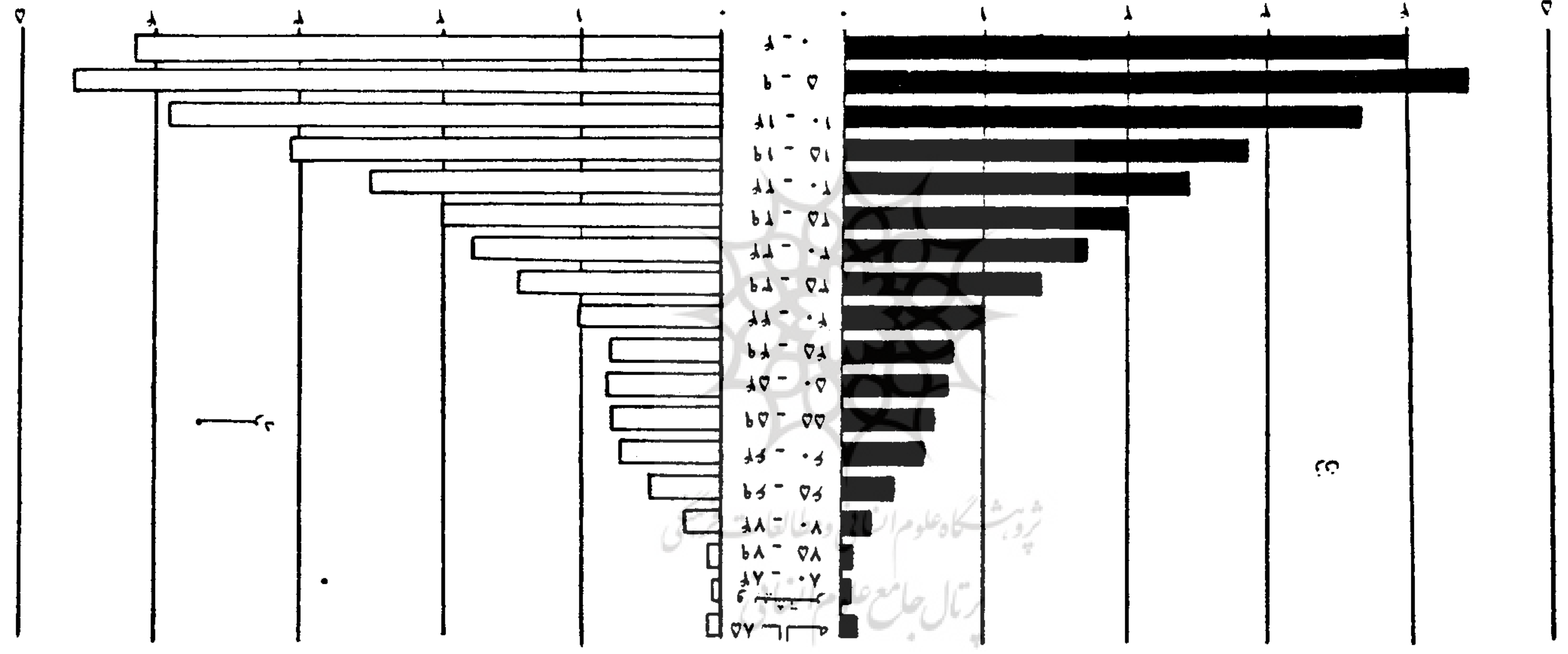
بطور کلی، جمعیتی دارای ساختار سنی ایده آل است که تفاوت زیادی بین گروههای سنی آن وجود نداشته باشد، لیکن گروههای چهارگانه سنی ایران از پائین به بالا مغایرتها و اختلافات چشمگیری را نشان می دهند. در همین رابطه گروههای سنی بزرگسال (۵۹ - ۳۵) و پیران (۶۰ سال به بالا) به ترتیب ۱۸ و ۵/۷ درصد می باشند که در مقایسه با گروههای سنی بچه سال و جوان ناهماهنگی های آشکاری دارند (شماي هرم سنی جمعیت ایران).

۴- تأثیر رشد جمعیت بر بعد خانوار

۱-۴ جدول شماره ۱

مستوی بفر

مستوی بفر



مستوی بفر

۱۸۸۱ . ۱۳۷۱ : مستوی بفر

نرخ بالای زادوولد در ایران بعد خانوار را به سطح ۵/۱ نفر رسانیده که از این نظر با بعد خانوار در کشورهای توسعه یافته که کمتر از ۳ نفر می‌باشد اختلاف زیادی دارد.

از جمعیت ایران که در سال ۱۳۷۰ اندکی کمتر از ۶۰ میلیون نفر بوده است، بالاتر از $\frac{1}{4}$ آن در خانوارهایی با نفرات ۷ و بیشتر، $\frac{1}{7}$ آنسان در خانوارهای ۶ نفری، در حدود $\frac{1}{6}$ آنان در خانوارهای ۵ نفری و مجموعاً " ۵۶ درصد از جمعیت ایران در خانوارهایی که بیش از ۵ نفر جمعیت دارند، زندگی می‌کنند".

۵- زادو ولد در اماکن مختلف جمعیتی

علیرغم اکثر کشورهای در حال توسعه که کلاً "نرخ زادوولد در آنها بسیار پائین است و در نقاط شهری آنها کمتر از نقاط روستایی است، در ایران چنین وضعیتی مشاهده نمی‌شود، زیرا از حدود ۱/۶ میلیون نفر متولدین ثبت شده ایران در سال ۱۳۷۰، نزدیک به ۵۸ درصد از آنسان در مراکز شهری و ۴۲ درصد بقیه در نقاط روستایی متولد شده‌اند.

۶- اختلافات مکانی نیروی کار ایران

کیفیت نیروی کار ایران از نظر مکانی در وضعیتی است که به سهولت می‌توان نقش آنرا در توسعه و یا رکود اقتصادی و اجتماعی هر منطقه تمیز داد.^۲

۱- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور ۱۳۷۱.

۲- علی اصغر نظری جغرافیای جمعیت ایران ۱۳۶۸.

بر این اساس مناطق روستائی کشور که تا این اواخر مرکز و محل تولید بنیان های اقتصادی محسوب می شدند، در دهه های اخیر بخاطر تخیسه نیروهای فعال جمعیت، توان تولید را از دست داده و ساکنین آنها را کسانی تشکیل می دهند که بخاطر کهولت و از کار افتادگی قادر به ادامه کار نبوده و یا اینکه زنان و کودکانی هستند که مردانشان قادر به تهیه مسکن در مراکز شهری نیستند تا در آنجا به صورت خانوار زندگی کنند و در نتیجه در روستا باقی مانده اند.

از آنجا که در گذشته کلیه افراد قادر به کار روستاها به طرق مختلف در تولید نقش داشتند، اکنون با خروج مردان فعال از این مراکز و بایر شدن زمین های کشاورزی و رکود دامداری، کودکان، زنان و سالخوردگان روستائی کار آئی قابل ملاحظه ای ندارند. در چنین وضعی سطح زندگی آنان با افت مداوم روبرو بوده و بر تعداد فقرا و درجه فقر آنان افزوده می شود. روند زندگی غیر تولیدی در روستاها و بالا رفتن هزینه زندگی و تأثیر آن بر جمعیت ساکن در این اماکن سبب شده است تا نسبت روستائییانی که در فقر مطلق به سر می برند به حدود ۱۰٪ از کل جمعیت روستائی کشور برسد.

ب - ساختار اجتماعی

۱۰. سالیانه توسعه انسانی در ایران

U.N. Country Human Development Indicators, 1993 - جدول ۱۰

ردیف	شرح	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳
۱	شاخص توسعه انسانی (HDI)	۰.۷۸۶	۰.۸۰۳	۰.۸۱۱	۰.۸۲۰	۰.۸۲۹
۲	توسعه انسانی در ایران (HDI)	۰.۷۸۶	۰.۸۰۳	۰.۸۱۱	۰.۸۲۰	۰.۸۲۹
۳	شاخص توسعه انسانی در ایران (HDI)	۰.۷۸۶	۰.۸۰۳	۰.۸۱۱	۰.۸۲۰	۰.۸۲۹
۴	شاخص توسعه انسانی در ایران (HDI)	۰.۷۸۶	۰.۸۰۳	۰.۸۱۱	۰.۸۲۰	۰.۸۲۹
۵	شاخص توسعه انسانی در ایران (HDI)	۰.۷۸۶	۰.۸۰۳	۰.۸۱۱	۰.۸۲۰	۰.۸۲۹
۶	شاخص توسعه انسانی در ایران (HDI)	۰.۷۸۶	۰.۸۰۳	۰.۸۱۱	۰.۸۲۰	۰.۸۲۹
۷	شاخص توسعه انسانی در ایران (HDI)	۰.۷۸۶	۰.۸۰۳	۰.۸۱۱	۰.۸۲۰	۰.۸۲۹
۸	شاخص توسعه انسانی در ایران (HDI)	۰.۷۸۶	۰.۸۰۳	۰.۸۱۱	۰.۸۲۰	۰.۸۲۹
۹	شاخص توسعه انسانی در ایران (HDI)	۰.۷۸۶	۰.۸۰۳	۰.۸۱۱	۰.۸۲۰	۰.۸۲۹
۱۰	شاخص توسعه انسانی در ایران (HDI)	۰.۷۸۶	۰.۸۰۳	۰.۸۱۱	۰.۸۲۰	۰.۸۲۹
۱۱	شاخص توسعه انسانی در ایران (HDI)	۰.۷۸۶	۰.۸۰۳	۰.۸۱۱	۰.۸۲۰	۰.۸۲۹
۱۲	شاخص توسعه انسانی در ایران (HDI)	۰.۷۸۶	۰.۸۰۳	۰.۸۱۱	۰.۸۲۰	۰.۸۲۹
۱۳	شاخص توسعه انسانی در ایران (HDI)	۰.۷۸۶	۰.۸۰۳	۰.۸۱۱	۰.۸۲۰	۰.۸۲۹
۱۴	شاخص توسعه انسانی در ایران (HDI)	۰.۷۸۶	۰.۸۰۳	۰.۸۱۱	۰.۸۲۰	۰.۸۲۹
۱۵	شاخص توسعه انسانی در ایران (HDI)	۰.۷۸۶	۰.۸۰۳	۰.۸۱۱	۰.۸۲۰	۰.۸۲۹
۱۶	شاخص توسعه انسانی در ایران (HDI)	۰.۷۸۶	۰.۸۰۳	۰.۸۱۱	۰.۸۲۰	۰.۸۲۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- پی آمد مهاجرت‌های روستا - شهری

با آنکه روستاها بر اثر عدم توازن اقتصادی با مراکز شهری و در نتیجه دفع نیروی فعال خود به این اماکن ، با ناهماهنگی در ساختار جمعیتی روستا شده و راه زوال می‌پیمایند ، مراکز شهری در مقابل با استفاده از نیروی فعال آنها مراحل رشد و ترقی را پیموده و به سطح بالایی از پیشرفت و توسعه نائل می‌شوند^۱ .

مهاجرت روستائیان به مراکز شهری منحصر به نیروی کار و کارگران نمی‌شود . تعداد زیادی از این افراد را کسانی تشکیل می‌دهند که دارای اندوخته‌ای از سواد و یا امکانات مالی هستند که از اثرات عمده مهاجرت آنان بالا بودن بنیه مالی و در صد افراد تحصیل کرده و باسواد شهرها و در نتیجه کسب امتیازات بیشتر اقتصادی و اجتماعی آنها می‌شود .

برتری اوضاع اقتصادی مراکز شهری ایران و اختلاف درآمد نیروی شاغل شهری نسبت به فعالین مراکز روستائی در طول دهه ۶۰ سبب افزایش جمعیت شهری ایران گردید و روند این افزایش به گونه‌ای است که از سال ۱۳۵۵ تاکنون بطور متوسط در هر سال بیش از ۰/۵ درصد به ساکنین مراکز شهری ایران افزوده شده که بخش اعظم آنرا مهاجرین روستائی تشکیل می‌دهند^۱ .

با آنکه افزایش جمعیت شهر نشین نشان از رشد و توسعه کشورها می‌باشد ، اما اگر از نیروی کار مهاجر روستائی در مراکز شهری استفاده

1-Debliz, Muller, Geography Regions and Concepts, 1988.

۲- علی اصغر نظری ، جغرافیای جمعیت ایران گیتاشناسی ۱۳۶۸ .

مطلوب نگردد و از آن در امور تولیدی و بهبود وضع اقتصاد کشور استفاده نشود، اشتقالات انگلی و انحرافات اجتماعی در شهرها ایجاد و سبب مشکلات بسیاری خواهد شد .

از جمله زیانهای اشتقالات انگلی ، کسب درآمدهای سرشار بدون بنیان های اقتصادی است که نیاز به تخصص و تکنیک نداشته و رقابت در مهاجرت از سوی جوانان را به مراکز شهری تشدید و در نتیجه مراکز روستائی را از نیروی فعال اقتصادی خالی می کند . چنین روندی علاوه بر ایجاد مشکلات در ساختار شغلی کشور ، ایجاد یأس و نومیدی در جوانانی می کند که بخش اعظم عمر خود را در راه کسب علم و تجربه و تخصص و تکنیک صرف کرده و در مقایسه با هم نوغان تازه از روستا به شهر آمده خود که هیچگونه تجربه علمی و تکنیکی نیاموخته و از درآمد کلانی بهره مند می باشند احساس کمبود می کنند .

آمار سال ۱۳۷۰ کشور ، جمعیت شاغل در مراکز روستائی را کمتر از ۵/۵ میلیون نفر و جمعیت شاغل در مراکز شهری را متجاوز از ۱۳ میلیون نفر نشان می دهد^۱ .

با توجه به وجود جمعیت کثیری از جوانان شهری که در حال تحصیل می باشند ، اختلاف شدیدی در نیروی کار روستا و شهر ایران پدیدار می گردد .

۲- عدم سیاست های جمعیتی و برنامه های توسعه

یکی از مشکلات جاری کشور ما عدم سیاست های ثابت در مورد جمعیت

۱- مرکز آمار ایران ، سالنامه آماری ۱۳۷۱ .

است . با آنکه ازدیاد جمعیت در کشور ما با بینش های مختلفی از طرف مجریان امور برداشت می شود ، تصمیم به اجرای يك هدف و ایده واحد با مشکلات عدیده ای روبرو می گردد . بسیار دیده می شود که مدتها بر سر مسئله جمعیت بحث بوده و حتی قوانینی تنظیم گشته و طرق محدود کردن آن با تسهیلاتی به اطلاع مردم رسیده است ، لیکن دیری نگذشته که با مخالف از طرف فردی روبرو شده و موضوع به باد فراموشی سپرده گردیده است . واقعیت این است که اگر جمعیت ایران بسدون آینده نگرى افزایش پیدا کند ، ناسامانیهای (خلال کننده ای بر سر راه پیشرفت کشور ایجاد خواهد شد . ازدیاد جمعیت در صورتی که برای ساختار کیفی آن برنامه ریزی نشود ، نه تنها کشور را از توسعه باز می دارد ، بلکه مهمترین عامل باز دارنده پیشرفت آن خواهد شد که نتایج حاصل جز وابستگی بیشتر ایران به کشورهای دیگر نیست .

چنانچه ساختار جمعیت از نظر کیفی مورد توجه قرار گیرد و علاوه بر تنظیم قوانین در جهت کنترل آن به تنظیم گروههای سنی ، جنسی ، آموزش سواد ، تربیت کادر متخصصی در رشته های مختلف ، ایجاد اشتغال در مراکز روستائی و ایجاد صنایع در ارتباط با تولیدات زراعی ، دامی ، منابع مختلف طبیعی و در يك کلام ایجاد کار برای نیروی فعال روستا بشود و از مهاجرت بیرویه آن به مناطق شهری جلوگیری شود ، از مشکلات ناشی از ازدیاد جمعیت به میزان زیادی کاسته خواهد شد .

۳- نقش آموزش عالی در توسعه

توسعه نیروی انسانی هر کشور مدیون سرمایه گذاری جهت آموزش

و تجهیزات آزمایشگاهی برای تحقیقات علمی و اشاعه علوم و فنون است .
آموزش علوم و فنون تنها عامل مؤثر در توسعه هر کشور است . نسبت بالای
دانشمندان و افراد فنی در کشورهای توسعه یافته گویای این حقیقت است که
آنها به اهمیت چنین موضوعی پی برده و در راه اشاعه علوم و فنون کوشش های
زیادی کرده اند .

متأسفانه و علیرغم سابقه بسیار درخشان ایران در توسعه علم و دانش
که نتیجه آن قدرت و عظمت ایران در دوره های طولانی تاریخ گذشته بوده
است ، چنین تلاشی در قرون اخیر صورت نگرفته و در نتیجه این کشور از قافله
پیشرفت در زمینه های علمی و صنعتی باز مانده است . آمارهای موجود
نشان می دهد که علیرغم گسترش فوق العاده آموزش های ابتدائی و متوسطه ،
جمعیت بالای ۲۵ سال ایران بطور متوسط فقط ۳ سال و ۹ ماه وقت خود را
صرف آموزش در دوره های مقدماتی ، متوسطه و عالی کرده اند . این زمان
بسرای جمعیت ۲۵ سال و بیشتر ژاپن ۱۰ سال و ۷ ماه ، استرالیا ۱۱ سال
و ۵ ماه و ایالات متحده آمریکا ۱۲ سال و ۳ ماه می باشد .^۱

در همین رابطه تعداد دانشمندان و افراد فنی در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت
بررسی ایران ۸/۵ نفر و بررسی ژاپن ، استرالیا و ایالات متحده بترتیب ۱۱۰
و ۵۰ و ۵۵ نفر می باشند .

فرمول زیر که در رابطه با استاندارد زندگی است دارای سه رکن عمده

1-U.N. Country Human Development Indicators,
1993 .

و اساسی می‌باشد^۱.

$$\text{استاندارد زندگی} = \frac{\text{تکنیک} \times \text{منابع طبیعی}}{\text{جمعیت}}$$

این فرمول گویای این نکته است که کشور ما، هم از نظر منابع طبیعی و هم از نظر تعداد جمعیت دارای وضع درخشان و ایده آلی است، لیکن در ارتباط با تعداد دانشمندان و متخصصین کمبود زیادی در آن وجود دارد. در اینجا فرمول فوق را در مورد ژاپن مورد توجه قرار می‌دهیم. ژاپن مانند ایران دارای جمعیت کافی است و حتی از فشار آن بر منابع طبیعی خود رنج می‌برد، اما برخلاف ایران که فاقد تکنیک است از تکنیک‌های بهره‌مند می‌باشد. ژاپن از نظر منابع طبیعی بسیار فقیر و نیازمند کشورهای متعدد در قاره‌های مختلف جهان است. آنچه از مقایسه ایران و ژاپن در ارتباط با این فرمول نتیجه می‌شود، این است که جمعیت ایران بخاطر عدم دستیابی به علوم فنی و تکنیکی و عدم تجهیز کافی مؤسسات علمی و پژوهشی خود نتوانسته است به توسعه دست یابد، مشکل دیگری که در این رابطه وجود اهمال در حفظ و نگاهداری دانشمندان و متخصصینی است که با صرف سرمایه‌های هنگفت کشور بصرجات با لائسی از کار آئی رسیده‌اند، در صورتی که ژاپن با سرمایه‌گذاریهای لازم و آموزش علوم و فنون به جمعیت خود می‌تواند کلیه نیازمندیهایش را از سرچشمه تهیه و در مقابل فرآورده‌های صنعتی خود را نتیجه دانش و تکنیک جمعیت آن است به کشورهای نیازمند عرضه نماید.

1-J.H. Lowry, World Population and Food Supply 1986.

بنابراین دانش و تکنیک سبب جابجائی منابع در سطوح ملی و بین‌المللی شده و علاوه بر اثرات اقتصادی و اجتماعی ایجاد توسعه نموده و محیط‌های بسیاری را که در گذشته مورد توجه نبوده اند با اهمیت می‌سازد .

۴- نقش وضعیت اقتصادی - اجتماعی زنان

با آنکه زنان تقریباً " نیمی از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند . (۴۸/۴ درصد) و نیمی از درآمد ناخالص کشور متعلق به آنان است ، لیکن از نظر مشارکت در امور اقتصادی و اجتماعی مهم‌چندانی نداشته، زیرا غالب فعالیت‌های شغلی در اختیار مردان می‌باشد .

یکی از عمده‌ترین علل کوتاهی و عدم دخالت زنان در انجام امور فوق، فراگیر نبودن آموزش‌های لازم در بین آنان و بخصوص در مراحل پایانی تحصیلی در مقاطع مختلف آموزش عالی و آموزش‌های تخصصی است . این وضعیت رابطه زیادی با برداشت‌های اجتماعی در مورد تحصیلات زنان نیز دارد که تا گذشته نزدیک مخالف با آن بوده و اجازه فعالیت در خارج از چهار- دیواری منازل را به آنان نمی‌دادند . علیرغم موقعیت‌های اجتماعی و فرصت‌های فراوانی که اخیراً " از جهت مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی به زنان داده شده است ، هنوز نسبت به مردان جاو مکان قابل توجهی در جامعه باز نکرده و به ویژه در مراکز آموزش عالی نسبت به آنها عقب افتادگی چشمگیری دارند .

آخرین آمار رسمی کشور ، نسبت زنان شاغل به تحصیل را در مراکز آموزش عالی نسبت به مردان ۳۹ درصد نشان می‌دهد . همچنین با وجود کاهش چشمگیر

زنان شاغل به تحصیل در مراکز شهری که اندکی بیش از $\frac{2}{5}$ مردان (۴۱/۳) می باشد در مراکز روستائی این نسبت بسیار پائین و به ۱۵/۸ درصد می رسد نسبت به مردان نامطلوب و خوشایند است . به این طریق یکی از موانع عمده و چشمگیر بر سر راه توسعه کشور بویژه از نظر توسعه نیروی انسانی متخصص ، عدم ایفای نقش در جهت کسب دانش و فن از طرف بانوان می باشد .

۵ - نقش مدیریت در توسعه :

هر چند عوامل توسعه در کشورهای پیشرفته نسبت به نقش کاربردی خود در درجات متفاوتی از اهمیت قرار دارند ، لیکن نقش مدیریت در زمینه های مختلف توسعه از اعتبار بالائی برخوردار است .

مدیریت ، فنی است که علاوه بر نیار به کسب تجربه و تخصص در علوم آگاهی به مسائل جانبی در زمینه های مختلف اجتماعی را نیز طلب می کند .

مدیریت اصولی و درست ، روند توسعه را با انسجام و دقت و سرعت پیش برده و از آنجا که ظرافت ویژه لازم دارد ، بدست افرادی سپرده می شود که در اجرای آن موفقیت حتمی نصب العین باشد .

در کشور ما منأ سفانه به این نکته کمتر توجه شده است . از جمله مواردی که می توان ذکر کرد مدیریت هائی است که غالباً " بخاطر عدم آگاهی و تجربه منجر به ورشکستگی و تعطیلی کارخانه های تولیدی در سالهای پس از انقلاب گردید .

چنین وضعیتی منحصر به کارخانه های صنعتی و مراکز تولیدی نمی شود . این حالت در بسیاری از ادارات ، مراکز آموزشی ، کارگاهها و کارخانهها

و مراکزی که در زمینه های توسعه نقش اساسی دارند، مشاهده می‌گردد. •
 از مطالعه آنچه تاکنون گذشت چنین نتیجه گیری می‌شود که دسترسی
 به توسعه نیروی انسانی مستلزم اقداماتی در جهت اصلاح ساختار جمعیت
 ایران و فرهنگ حاکم بر آن است. • برای نیل به این هدف مسائل زیر را در قالب
 پیشنهاد ارائه و امید آن داریم که مورد بذل توجه و عنایت قرار گیرد. •

پیشنهادهای

- ۱- ایجاد انجمنی از علمای شرع و متخصصین مسائل جمعیت در جهت تعیین سیاست های جمعیتی کشور. •
- ۲- اجرای برنامه های تنظیم خانواده و احترام به رعایت دستور العمل های آن جهت محدود کردن فرزندان (طبق آنچه می‌شود) از طرف کلیه خانواده ها
- ۳- تعیین سن ازدواج جهت محدود کردن دوره باروری. •
- ۴- ارائه برنامه از طرف سازمانهای مسئول در ارتباط با فاصله زاده و ولدها
- ۵- ارائه خدمات و وسایل رایگان در جهت جلوگیری از باروری
- ۶- تعمیم بیمه های درمانی برای کلیه افراد
- ۷- کمک به سالخوردگان در زمینه های مالی، مسکن و خدمات و راهنمایی در گذراندن اوقات فراغت
- ۸- جلوگیری از تعدد زوجات مگر با مجوز علمای شرع، پزشکان متخصص و جامعه شناسان
- ۹- توسعه سواد و اجباری کردن آن تا پایان دوره متوسطه
- ۱۰- تربیت مشاور خانواده به تعدادی که همه خانواده ها به آنها دسترسی

داشته باشند

- ۱۱- اسکان آبرومندانه سالخورده‌گانی که فاقد مسکن می‌باشند
- ۱۲- جلوگیری از اشتغال به کار افراد کمتر از ۱۰ سال در مراکز شهری
- ۱۳- ایجاد اشتغال در مراکز روستائی با توجه به بنیانهای اقتصادی موجود
در محل
- ۱۴- ایجاد موازنه بین درآمدهای شهری و روستائی
- ۱۵- از میان برداشتن تبعیض در ارائه فرصت های شغلی با توجه به جنس زن و مرد و تأکید بر اطلاعات و توانائی
- ۱۶- واگذاری مسئولیت ها بر اساس انتخاب از بین جمع متخصصین متعهد
در رشته مربوط
- ۱۷- جلوگیری از اشتغالات کاذب
- ۱۸- این صنایع زیربنائی و اشتغالات تولیدی
- ۱۹- توسعه و تجهیز مراکز دانشگاهی و تربیت افراد ماهر و دانشمند از بین دانشجویان نخبه متعهد
روانشناسی و مطالعات فرهنگی
- ۲۰- جلوگیری از تکرار امور غیر لازم در سازمان های مختلف
- ۲۱- ملزم ساخت مسئولین در سازمانهای مختلف به نصب العین قســـرار
رئیس جمهور
- دادن مصالح کشور
- ۲۲- جلوگیری از ادامه نابسامانیها با نظارت بر مدیریت های نادرست

منابع فارسی

- ۱- مرکز آمار ایران ، سالنامه آماری کشور ۱۳۷۱ .
- ۲- مرکز آمار ایران ، نشریات نفوس و مسکن در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ .
- ۳- مرکز آمار ایران ، سالنامه آماری کشور ۱۳۷۰ .
- ۴- علی اصغر نظری ، جغرافیای جمعیت ایران گیتاشناسی ۱۳۶۸ .

منابع خارجی

- 1-United Nations, Country Human Development Indicators 1993 .
- 2- United Nations, population Bulletin 34/35, 1993 .
- 3-Thompson and Lewis, population problems, 1978.
- 4-United Nations, Demography year book , 1993 .
- 5- J.H. Lowry, world population and Food supply, 1986
- 6-Deblj. Muller, Geography Regions and Concepts, 1988 .